

مبارزه در خیابان

آخرین ضربه‌ی انقلاب

دختری ۲۲ ساله به نام "ژینا یا مهسا امینی" روز ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲ در شهر "تهران" توسط نیروهای سرکوب رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به نام "گشت ارشاد" به علت "بدحجابی" بازداشت می‌شود و پس از دو ساعت به بیمارستان "کسری" منتقل شده و در آن جا در ۱۶ سپتامبر فوت می‌کند و در ۱۷ سپتامبر در شهر محل سکونت‌اش، شهر "سقز" در استان کردستان خاکسپاری می‌شود.

<https://www.bbc.com/persian/iran-62953375>

علت مرگ "مهسا" هر چه که باشد، وی در اسارت نیروهای سرکوب رژیم درگذشته است و به همین دلیل ساده، رژیم جمهوری اسلامی مسئول مرگ این دختر می‌باشد. اما از آن جایی که شکنجه و اذیت و آزار بازداشت‌شده‌گان از سیاست‌های همیشه‌گی نیروهای سرکوب رژیم بوده است، علت مرگ "مهسا" نیز از این قاعده مستثنا نیست. به همین خاطر هم مردم "سقز" پس از خاکسپاری "مهسا" تظاهرات اعتراضی علیه رژیم جمهوری اسلامی برگزار می‌کنند و این تظاهرات اعتراضی به شهرهای دیگر ایران هم کشیده می‌شود و هر روز با گسترش بیش‌تری اوج می‌گیرد.

مردم ستم‌کشیده‌ی ایران و به‌خصوص دختران و زنان جوان که بارها به سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ی رژیم اعتراض کرده‌اند، این بار نیز با شجاعت کامل، ولی با دست خالی به خیابان‌ها آمده و با خواست سرنگونی رژیم، به جنگ با نیروهای سرکوب رژیم می‌پردازند. این حرکت‌های اعتراضی در اکثر نقاط ایران و از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی صورت می‌گیرد.

دانش‌جویان دانشگاه "شهید بهشتی" در تهران هم، شعار "این اعتراض نیست، بلکه انقلاب است" را سر می‌دهند.

<https://www.grid.news/story/global/2022/10/12/how-much-trouble-is-irans-ruling-regime-in-why-the-mahsa-amini-movement-is-different-than-previous-protests#/>

اما از آن جایی که هنوز هیچ‌یک از "ظواهر انقلاب" در این حرکت‌ها دیده نمی‌شود، شاید منظورشان این بوده باشد که با انجام این کارها پروسه‌ی یک "انقلاب" را آغاز کرده‌اند، ولی "ظواهر" شروع یک "انقلاب" هم دیده نمی‌شود! آگاه‌ترین قشر اجتماعی جامعه، یعنی دانش‌جویان دانشگاه‌ها که در حال فراگیری علم هستند، حتمن متوجه این امر هستند که در علم سیاست، مقوله‌ی "انقلاب" تعریف شده است و وقوع پدیده‌ی "انقلاب" ملزومات معین خود را دارد. به طور خلاصه، وقوع "انقلاب" نیازمند "شرایط عینی" و "شرایط ذهنی" است. "شرایط عینی انقلاب" در ایران سال‌هاست که وجود دارد و جامعه‌ی ایران سال‌هاست که به طور "عینی" آماده‌ی "انقلاب" است اما، مشکل بر سر "شرایط ذهنی" است و یکی از دلایل ظهور رژیم جمهوری اسلامی هم، مقابله با شکل‌گیری "شرایط ذهنی انقلاب" بوده است که این رژیم، تا به امروز در انجام این وظیفه‌اش موفق بوده است. با کمال تاسف برای ما!

اما شکل‌گیری "شرایط ذهنی انقلاب" یا به طور کلی آغاز پروسه‌ی "انقلاب"، از تحلیل شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه آغاز می‌شود و سپس با تدوین "تئوری انقلاب" و ترسیم "برنامه‌ی انقلاب"، "استراتژی و تاکتیک‌های انقلاب" تعیین می‌شود و با ایجاد "تشکیلات"، "وظائف انقلابی" مشخص می‌شود. آن‌گاه "مبارزه‌ی انقلابی" با نیروهای سرکوب رژیم حاکم و "تبلیغ و ترویج مبارزه" عملن آغاز می‌شود. اما این "مبارزه‌ی انقلابی"، به هر شکلی که صورت بگیرد، سرازیر شدن به خیابان‌ها، جنگ در خیابان و فتح خیابان‌های شهر، آخرین مرحله‌ی پروسه‌ی کسب قدرت در یک "مبارزه‌ی انقلابی" است.

اما افسوس که قبل از ایجاد تشکیلات، گام آخر را برداشته‌ایم! همواره از آخر شروع می‌کنیم و شیپور را از سر گذاشتن می‌نوازیم!!!

تا این جای کار، ظواهر امر نشان می‌دهند که این حرکت "خودجوش" و "خودانگیخته" است.

"... در ایران خودمان، توده‌ی ملت ما در تمام طول تاریخ‌اش، امکان تعقل، امکان تفکر، امکان به‌کارگرفتن این چیزی را که به آن مغز می‌گویند، نداشته است. ... تاریخ ما نشان می‌دهد که این توده، حافظه‌ی تاریخی ندارد. ... این ملت حافظه‌ی تاریخی ندارد. حافظه‌ی دسته‌جمعی ندارد. هیچ‌گاه از تجربیات عینی اجتماعی‌اش چیزی نیاموخته و هیچ‌گاه از آن بهره‌ای نگرفته است و در نتیجه، هر جا کارد به استخوان‌اش رسیده، روی پهلوی غلتیده، از یک ابتذال به یک ابتذال دیگر و این حرکت عرضی را حرکتی در جهت پیشرفت انگاشته؛ سر خودش کلاه گذاشته. من متخصص انقلاب نیستم اما هیچ وقت چشمم از انقلاب خودانگیخته آب نخورده. ... انقلاب خودانگیخته مثل ارتش بی‌فرمانده، بیشتر به درد شکست خوردن و برای اشغال شدن، گزک به دست دشمن دادن می‌خورد تا شکست‌دادن و دمار از روزگار دشمن درآوردن. ملتی که حافظه‌ی تاریخی ندارد انقلاب‌اش به هر اندازه هم که از لحاظ مقطعی شکوهمند و یا چیزی از این قبیل توصیف بشود، در نهایت امر به آن صورتی درمی‌آید که عرض شد. یعنی در نهایت امر چیزی ارتجاعی از آب درمی‌آید. یعنی عملی خلاق صورت نخواهد داد."

سخنرانی احمد شاملو در دانشگاه برکلی (آمریکا) ۱۹۹۰.

<https://www.youtube.com/watch?v=BtluK9GzRHg>

به همین دلیل هم باید و هم می‌توان حرکت‌های "خودجوش" و "خودانگیخته" را به سوی یک "انقلاب" جهت داد اما این هم ملزومات خود را دارا می‌باشد که مهم‌ترین آن وجود یک "سازمان انقلابی" است که متاسفانه فاقد آن هستیم؛ مگر این که همین امروز به ایجاد آن مبادرت کنیم!

اما دولت‌های امپریالیستی که همواره رژیم جمهوری اسلامی را به فنون و وسائل سرکوب مجهز ساخته‌اند و بسیار نادر در مورد اعتراضات عادلانه‌ی مردم ایران موضع‌گیری کرده‌اند، اینک لب به اعتراض می‌گشایند.

"جیک سالیوان" Jake Sullivan مشاور امنیت ملی آمریکا، روز ۱۶ سپتامبر می‌گوید "مهسا" توسط "گشت ارشاد" مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته است.

<https://www.nytimes.com/2022/09/16/world/middleeast/iran-death-woman-protests.html>

"جوزپ بورل" Josep Borrell مسئول سیاست خارجی "اتحادیه اروپا" در ۱۹ سپتامبر مرگ "مهسا" را "غیرقابل قبول" دانسته و از مقامات رژیم حاکم بر ایران می‌خواهد که مسئولان را مجازات کنند.

[Mahsa Amini: EU concern over woman who died after being stopped by morality police | Euronews](#)

"آنالنا بائربوک" Annalena Baerbock وزیر امور خارجه آلمان روز ۲۰ سپتامبر در حاشیه‌ی "مجمع عمومی سازمان ملل" در شهر "نیویورک" آمریکا از رهبری ایران می‌خواهد که صدای زنان ایرانی که برای دستیابی به حقوق اولیه خود دست به اعتراض زده‌اند را بشنود.

<https://www.welt.de/politik/ausland/article241177237/Baerbock-kritisiert-Teheran-Diese-Frauen-fordern-Rechte-ein-die-allen-Menschen-zustehen.html>

"جو بایدن" Joe Biden رئیس‌جمهور آمریکا نیز در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲ می‌گوید که امروز ما در کنار شهروندان شجاع و زنان شجاع ایران ایستاده‌ایم که در حال حاضر برای تأمین حقوق اساسی خود تظاهرات می‌کنند.

<https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-the-united-nations-general-assembly-new-york-city-17>

در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲ "امانوئل ماکرون" Emmanuel Macron رئیس‌جمهور فرانسه در یک مصاحبه‌ی مستقیم تلویزیونی می‌گوید که:

ما در کنار این زنان ایستاده‌ایم. ... آن‌ها یک مردم مستقل هستند که برای آزادی‌شان می‌جنگند. ... امروز هم جوانان و مردانی زیادی هستند که برای حقوق زنان می‌جنگند. ... فرانسه سرکوب رژیم ایران را محکوم می‌کند. ... جوانانی که در ایران در حال مبارزه هستند حامل ارزش‌های مشترک جهانی‌اند. ... فرانسه در کنار ملت ایران قرار دارد. ... در ایران اتفاقی در حال رخ دادن است. ... ما نمی‌توانیم در این مبارزه به جای ملت ایران عمل کنیم.

<https://www.lefigaro.fr/politique/ukraine-poutine-iran-tout-ce-qu-il-faut-savoir-sur-l-interview-de-macron-20221012>

در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۲ "جاستین ترودو" Justin Trudeau نخست‌وزیر کانادا موضوع "تغییر رژیم" را مطرح می‌کند.

<https://www.youtube.com/watch?v=ycWVP-aa99A>

در ۴ نوامبر ۲۰۲۲ در جلسه‌ی اعضاء "گروه ۷" The Group of Seven (G7) (محفلی از ۷ کشور آلمان، آمریکا، انگلیس، ایتالیا، ژاپن، فرانسه و کانادا) ضمن محکوم کردن نقض حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی و اعلام حمایت از مبارزات مردم ایران، از رژیم ایران خواسته می‌شود که به دنبال "کسب سود سیاسی" نباشد.

<https://www.diplomatie.gouv.fr/en/country-files/europe/western-balkans-62918/article/g7-foreign-ministers-statement-4-november-2022-munster>

این "کسب سود سیاسی" همان زیاده‌طلبی آمریکا در مذاکرات برجام است!

این‌گونه موضع‌گیری‌ها که در عرف سیاست بین‌الملل "دخالت در امور داخلی کشور دیگر" تلقی می‌شوند، کاسه‌ی زیر نیم‌کاسه را به نمایش می‌گذارد و توجه به وقایعی که اخیرن اتفاق افتاده را ضروری می‌سازد.

پس از آن که توافق‌نامه‌ی "برنامه‌ی جامع مشترک" (برجام) پس از دوازده سال مذاکره، در ۲ آوریل ۲۰۱۵ میان آلمان، آمریکا، انگلیس، چین، روسیه و فرانسه امضاء می‌شود و بر اساس آن، سهم هر یک از این غارت‌گران از ثروت‌های مردم ایران تعیین می‌گردد،

https://www.eeas.europa.eu/node/3477_en

در ۸ مه ۲۰۱۸ دولت آمریکا به خاطر سهم بیش‌تر از غارت ایران، این توافق‌نامه را به طور رسمی رد می‌کند

<https://www.nytimes.com/2018/05/08/world/middleeast/trump-iran-nuclear-deal.html>

و بار دیگر سرمایه‌های اروپائی را در غارت ایران دچار مضیقه می‌سازد.

اما دولت بعدی آمریکا خواستار یافتن راه‌حلی برای "مسئله ایران" از طریق مذاکره با رقبای اروپائی می‌شود و به همین منظور جلساتی را از ۶ آوریل ۲۰۲۱ تا ۸ اوت ۲۰۲۲ تنظیم می‌کنند

<https://iranprimer.usip.org/blog/2021/apr/02/new-talks-timeline-diplomacy-under-biden>

و در ۲۱ اوت ۲۰۲۲ آخرین گفت‌وگوی خود را نیز به طور تلفنی انجام می‌دهند

<https://www.reuters.com/world/leaders-us-uk-france-germany-discuss-iran-nuclear-issue-2022-08-21/>

ولی توافقی حاصل نمی‌شود. حال ضروری می‌نماید که "مسئله ایران" به طریق دیگری حل شود!

به طور کاملن تصادفی؟! در روز ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲، یعنی روز بازداشت "مهسا امینی"، ارتش اوکراین اولین "پهپاد ساخت ایران" را سرنگون می‌کند.

<https://www.reuters.com/world/europe/ukraine-shoots-down-iranian-made-drone-used-by-russia-defence-ministry-2022-09-13/>

گویا، روسیه این پهپادها را از ایران خریداری کرده است!

<https://apnews.com/article/russia-ukraine-biden-iran-jake-sullivan-4a9f1b2749893d8f1ed9f039869cf119>

و از همین جا دولت‌های اروپائی و ادار به موضع‌گیری در مقابل رژیم حاکم بر ایران می‌شوند. آنان به نوبت، به حمایت از اعتراضات مردم داخل ایران می‌پردازند و ایرانیان ساکن اروپا را مورد عزت و احترام قرار می‌دهند تا اعتراضاتشان منفجر گردد!

چیزی که در این میان بی‌پاسخ می‌ماند این است که چگونه ارتش روسیه به عنوان قدرتمندترین ارتش جهان، نیازمند تسلیحات ساخت ایران شده است؟ مگر این که در ساخت این پهپادها، تکنولوژی پیش‌رفته‌ای به کار گرفته شده باشد که روسیه هنوز بدان دست نیافته است.

از آن جایی که نیروی نظامی ایران و صنایع نظامی در ایران از ابتداء توسط آمریکا بنیاد نهاده شده و همواره توسط آمریکا تجهیز و تقویت شده است، صنعت پهپادسازی در ایران نیز جزئی از صنایع نظامی آمریکا در ایران است. بی‌جهت نیست که در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱ پیش‌نهاد "توقف پهپادسازی در ایران" در مجلس آمریکا مطرح می‌گردد.

<https://foreignaffairs.house.gov/press-releases?ID=B2D551FA-F9B3-4351-8DF9-D8969723C191>

بنابراین با چراغ‌سبز آمریکا، این پهپادها در اختیار ارتش روسیه قرار می‌گیرد و آمریکا پس از این که اروپا را در جنگ اوکراین در مقابل روسیه قرار می‌دهد و در ۶ سپتامبر ۲۰۲۲ با قرارگرفتن روسیه در لیست کشورهای حامی تروریسم مخالفت می‌کند،

<https://www.voanews.com/a/biden-says-no-to-appeals-to-designate-russia-a-state-sponsor-of-terror/6734357.html>

اینک جبهه‌ی جدیدی را در ایران برای اروپا باز می‌کند و اروپا هم که سال‌ها فعالیت سرمایه‌های‌اش در ایران محدود شده است، به فکر تغییر رژیم در ایران می‌افتد!

اما "رابرت مالی" Robert Malley مامور ویژه آمریکا در امور ایران در ۷ اکتبر اعلام می‌کند که آمریکا به دنبال تغییر رژیم در ایران نیست

<https://www.npr.org/2022/10/07/1127394599/a-u-s-special-envoy-responds-to-iran-on-nuclear-talks-protests-over-a-womans-dea>

و در ۳۱ اکتبر "گزینه نظامی" را به عنوان "آخرین چاره در صورت لزوم" یادآوری می‌کند.

<https://edition.cnn.com/2022/10/31/politics/malley-iran-deal-comments/index.html>

بدین مفهوم که آمریکا در رقابت با اروپا و برای حفظ منافع خود در ایران، در آخرین مرحله به نیروی نظامی هم متوسل خواهد شد.

هنگامی که در ۳ نوامبر ۲۰۲۲ رئیس‌جمهور آمریکا گفت "ما ایران را آزاد می‌کنیم"

<https://apnews.com/article/iran-biden-middle-east-government-and-politics-22e7f6e5546a94941d20f41784314f59>

این تصور را ایجاد کرد که آمریکا در صدد تغییر رژیم در ایران است.

به همین خاطر روز بعد، یعنی در ۴ نوامبر "جان کربی" John Kirby سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا می‌گوید که آمریکا نشانه‌ای ندارد که رژیم ایران در آستانه‌ی تغییر قرار دارد.

<https://edition.cnn.com/2022/11/04/politics/biden-iran-protests/index.html>

بنابراین "آزادی ایران" در ذهن رئیس‌جمهور آمریکا، خارج‌ساختن اروپا از ایران است!

در این میان، "اپوزیسیون" تقریباً متشکل رژیم - از چپ و راست - که تامل در خارج از ایران مستقر است، به بهانه‌ی حمایت از مبارزات مردم ایران سوار بر این موج می‌شود.

"اپوزیسیون چپ" به خاطر فقدان بینش سیاسی لازم و نداشتن پای‌گاه توده‌ای کافی در پشت سر "اپوزیسیون راست" که مورد حمایت محافل امپریالیستی هستند، قرار می‌گیرد و نهایتاً همه‌ی اینان - به جز تعداد محدودی از "اپوزیسیون چپ"

- به دنباله‌روی از "حامد اسماعیلیون" از بازمانده‌گان قربانیان "هواپیمای سرنگون‌شده‌ی اوکرائینی" به عنوان سخن‌گوی "انجمن خانواده‌های جان‌باخته‌گان پرواز پی‌اس ۷۵۲" کشیده می‌شوند.

"حامد اسماعیلیون" را قبلاً به "قامت کاوه آهنگر" در آورده‌اند،

<https://melliun.org/iran/317642>

غافل از این که "کاوه آهنگر"، این "لمپن - سیاسی" افسانه‌ای، یک بار در سال ۱۹۵۳ در قالب "شعبان بی‌مخ" نقش تاریخی خود را ایفاء کرده است
سخن‌رانی احمد شاملو در دانشگاه برکلی (آمریکا) ۱۹۹۰.

<https://www.youtube.com/watch?v=BtluK9GzRHg>

و تاریخ دوباره تکرار نمی‌شود!

اما شاید بتوانند "حامد اسماعیلیون" را به عنوان کاریکاتوری از رئیس‌جمهور اوکراین، "ولودیمیر زلنسکی" Volodymyr Zelenskyy دلقک، در ایران نصب کنند!
به فراخوان این کاریکاتور، در روز اول اکتبر ۲۰۲۲ در بیش از ۱۵۰ شهر در سراسر جهان به طور هم‌زمان تجمعاتی برگزار می‌گردد

komalah.org) برگزاری تجمع در بیش از ۱۵۰ شهر جهان در حمایت از اعتراضات در ایران

و نهایتاً در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ همگی در شهر "برلین" پایتخت آلمان تظاهرات ۱۰۰ هزار نفره برگزار می‌کنند؛

<https://www.bbc.com/persian/live/iran-63328543/page/2>

در همان روزی که قرار است کارگران شهر "برلین" علیه افزایش قیمت‌ها تظاهرات برگزار کنند

<https://www.tagesschau.de/inland/demos-solidarische-politik-101.html>

و بدین ترتیب به خواست دولت آلمان، در به حاشیه‌راندن خواست‌های کارگران هم‌جامه‌ی عمل می‌پوشانند.

طنزی گزنده این که کمونیست‌های ایرانی که سال‌ها قبل در کنار ملاها علیه سلطنت فعالیت می‌کردند، امروز در کنار طرفداران همان سلطنت، علیه همان ملاها میتینگ می‌دهند!

بل‌آخره در ۲۴ اکتبر ۲۰۲۲ بیانیه‌ی مشکوکی منتشر می‌شود حاکی از این که گویا "حدود ۳۰ فعال سیاسی داخل ایران خواستار نقش‌آفرینی حامد اسماعیلیون در تشکیل یک شورای هم‌آهنگی در خارج از کشور، برای پیش‌بردن و بقاء خیزش انقلابی مردم ایران شده‌اند. این فعالان سیاسی که برخی از آنان زندانیان سابق سیاسی هستند و یا حکم حبس تعلیقی دارند، هویت خود را فاش نکرده‌اند."

<https://www.radiofarda.com/a/32099882.html>

بدین ترتیب "رهبر انقلاب" نصب می‌گردد!

اما در حول‌وحوش وقایع جاری در ایران چند نکته‌ی انحرافی مطرح شده است.

اول این که عنوان می‌گردد که این مبارزات برای داشتن یک "زنده‌گی معمولی" است و برای‌اش ترانه و سرود نیز می‌سازند!

منظور از "زنده‌گی معمولی" بدین ترتیب توضیح می‌گردد که مردم ایران از سرکوب‌های رژیم خسته شده‌اند و خواستار سرنگونی رژیم شده‌اند تا یک "زنده‌گی معمولی" داشته باشند که در آن "گشت ارشاد" مزاحشان نشود!

اما دیگر کسی توضیح بیش‌تری نمی‌دهد که در این "زنده‌گی معمولی"، تکلیف بقیه‌ی مصائب اجتماعی چه می‌شود؟ مسائل غارت ثروت‌های طبیعی ایران، عدم پرداخت دست‌مزد کارگران، اعتیاد، فحشاء، گرانی، فقر، کودکان کار، کارتن خوابی، گورخوابی و صدها مسئله‌ی دیگر چه‌گونه و توسط چه کسانی پاسخ داده خواهد شد؟

آیا مردم ایران خواستار این هستند که همه‌ی این مصائب اجتماعی ادامه داشته باشد ولی "گشت ارشاد" نباشد؟ با فرض بر این که تعدادی از مردم واقعن خواسته‌شان این باشد، آنگاه وظیفه‌ی روشن‌فکران و پیش‌گامان آگاه این مردم چیست؟

باید این طرز تفکر ارتجاعی را بی‌رحمانه به نقد کشید و نشان داد که مردم ایران مستحق یک "زنده‌گی انسانی" هستند که در آن استثمار انسان از انسان وجود نداشته باشد؛ غارت دست‌رنج کارگران و زحمتکشان وجود نداشته باشد؛ برابری کامل حقوق زن و مرد وجود داشته باشد؛ اختلاس وجود نداشته باشد؛ کودک کار، معتاد، فاحشه، کارتن‌خواب و گورخواب وجود نداشته باشد.

دوم، مطرح‌شدن این موضوع است که "ملاها بروند، هر رژیم دیگری که بیاید، برای مردم بهتر از این رژیم است." اولین، "رژیم" پدیده‌ای نیست که خودبه‌خود "بیاید"؛ "رژیم" از آسمان به زمین نمی‌افتد؛ "رژیم" آورده می‌شود و این "آوردن رژیم" و یا به بیان بهتر، "حاکم‌ساختن رژیم"، نیز دو شکل بیش‌تر ندارد.

یا "رژیم"، توسط "مردم"، یعنی کارگران و زحمتکشان حاکم می‌شود مانند دولت "محمد مصدق" در سال ۱۹۵۳ و یا توسط "ضدمردم" یعنی امپریالیسم، مانند دولت "محمدرضا شاه" آن هم در سال ۱۹۵۳ و یا رژیم جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹.

در حال حاضر، شرائط اجتماعی و سیاسی ایران نشان می‌دهد که مردم ایران، یعنی کارگران و زحمتکشان فعلن دارای پتانسیل "حاکم‌ساختن رژیم‌شان" نیستند. بنابراین، اگر هم "رژیم" جدیدی در آینده‌ای نزدیک آورده شود، مسلمان توسط "ضدمردم"، یعنی امپریالیسم آورده خواهد شد.

حال سوالی که مطرح می‌گردد این است که در کجای دنیا یک "رژیم ضد مردمی" آمده است که از "رژیم ضدمردمی" قبلی بهتر بوده است؟

چه زمانی درک خواهیم کرد که در سیاست، از این ستون به آن ستون فرج نیست؟! به جای این‌گونه مهم‌بافی‌ها باید به فکر ایجاد "شرائط ذهنی انقلاب" بود. با تعیین مختصات یک "رژیم مردمی" و سازمان‌دهی خود، برای "حاکم‌ساختن رژیم مردمی" تلاش کرد.

چون مناسبات بورژوا - دموکراتیک زمینه‌ی رشد و اعتلاء جنبش‌های حق‌طلبانه و به‌خصوص جنبش کارگری را فراهم می‌سازد، دیکتاتوری امپریالیستی ظرفیت پذیرش مناسبات بورژوا - دموکراتیک را ندارد و نمی‌تواند آن را تحمل کند. تحقق حقوق بورژوا - دموکراتیک در تحت حاکمیت دیکتاتوری امپریالیستی غیرممکن است.

در عرف سیاسی متداول، سرنگونی یک رژیم سیاسی با تعاریف مختلف و با درجات کیفی متفاوتی عنوان می‌گردد. بارها دیده شده است که از تعویض یک رئیس دولت گرفته تا انجام یک انقلاب اجتماعی، همه در قالب سرنگونی رژیم سیاسی بیان گردیده است. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در ایران فقط با یک تعریف می‌تواند بیان گردد و آن هم انجام یک انقلاب اجتماعی با محتوای نابودی مناسبات سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و جای‌گزین ساختن جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه‌ی کارگر می‌باشد.

نکته‌ی سوم این که عنوان می‌گردد که "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به هر شکلی و توسط هر کسی و به هر قیمتی، اگر به لغو حجاب اجباری منتهی شود، باز هم خوب است."

امپریالیسم در حاکم‌ساختن رژیم‌های وابسته به خود، که آن‌ها را حاصل مبارزات مردم جلوه بدهد، تجربه‌ی کافی دارد و به راحتی می‌تواند رژیم جدیدی را در ایران جای‌گزین رژیم فعلی بسازد که در آن "حجاب اجباری" نباشد و رژیم جدید حاصل مبارزات مردم متظاهر گردد و ۴۳ سال دیگر و شاید هم بیشتر، اختناق و سرکوب شدیدتری را نسبت به رژیم فعلی اعمال نماید!

چهارم عنوان‌کردن این موضوع است که "باید از مبارزات مردم حمایت کرد و در آن شرکت کرد".
یک مثال ساده.

همه می‌دانند که عده‌ای از مردم ایران، رژیم فعلی را با رژیم قبلی مقایسه می‌کنند و به خاطر جنایت‌های بیش‌تر رژیم فعلی، خواستار بازگشت رژیم سلطنتی هستند. حال، اگر این عده از مردم به مبارزه به رژیم فعلی برخیزند و خواستار حاکم‌ساختن رژیم سلطنت بشوند، حتی اگر به "لغو حجاب اجباری" هم منتهی بشود، باز هم باید از این مبارزات حمایت کرد و در آن شرکت کرد؟

حمایت از هر مبارزه‌ای و شرکت در هر مبارزه‌ای اساسن مطرح نیست. چیزی که مطرح است حمایت از مبارزات "عادلانه"ی مردم و شرکت در مبارزات "عادلانه"ی مردم است و مقوله‌ی "عادلانه" هم به مفهوم تامین منافع کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد.

اما همین هم، به مفهوم دنباله‌روی از توده‌ها نیست. یعنی هر شکل مبارزاتی توده‌ها و هر شعاری که از سوی آنان مطرح گردد، مقدس نیست!

"حمایت از مبارزات" و "شرکت در مبارزات" به مفهوم نقد این مبارزات و مشخص‌ساختن صحیح از ناصحیح و تلاش تئوریک و پراتیک در جهت ارتقاء این مبارزات است؛ با تاکید بر این که همه‌ی این‌ها هم زمانی تاثیرگذار خواهد بود که به طور متشکل و سازمان‌یافته انجام گیرد.

علازم همه‌ی این‌ها، مبارزه‌ی طبقاتی در جامعه که جزء جدائی‌ناپذیر جامعه‌ی طبقاتی است، ضمن اوج و فرودهای اش، قواعد و قانون‌مندی‌های خود را هم دارد و عدم رعایت هر یک از این قواعد و قانون‌مندی‌ها، "شکست از پیش تعیین شده" است.

از یک سو، خواستار سرنگونی یک رژیم شدن، هیچ‌گاه نباید بدون ارائه‌ی رژیم جای‌گزین صورت بگیرد. در شرایط حاکمیت دیکتاتوری امپریالیستی، مبارزه برای سرنگونی رژیم، بدون ارائه‌ی رژیم جای‌گزین، بسیار راحت می‌تواند به نتیجه برسد، چون امپریالیسم همیشه بدیل خود را از قبل ساخته و آماده کرده است و در روند پروسه‌ی سرنگونی، آن را جای‌گزین می‌سازد.

از سوی دیگر، تجربیات مبارزات انقلابی در سراسر جهان دو نکته را مسلم ساخته است. اول این که سرنگونی دیکتاتوری متکی به سرکوب مسلحانه، جز از طریق مبارزه‌ی مسلحانه امکان‌پذیر نیست و دوم این که مبارزه‌ی انقلابی برای کسب قدرت سیاسی و حفظ آن در چارچوب یک رژیم دمکراتیک و در جهت منافع کارگران و زحمتکشان و با هر استراتژی و تاکتیک، باید از مسیر "شوراها" بگذرد. به بیان بهتر، شرط لازم برای پیروزی مبارزات عادلانه‌ی مردم ایران، ایجاد یک تشکیلات مسلح است و شرط کافی برای پیروزی مبارزات عادلانه‌ی مردم ایران، ایجاد شوراها است. تنها و تنها "شوراها" تضمین‌کننده‌ی دمکراسی واقعی هستند: شورای محل زیست، شورای محل کار و شورای محل تحصیل!

اگر چه ایجاد این شوراها در داخل کشور ممکن است با مشکلات بسیاری همراه باشد ولی برای ایرانیان خارج از کشور، ساده‌ترین و مبرم‌ترین شکل سازمان‌یابی است. بنابراین: پیش به سوی تشکیل شوراها!

بهمن آرام

نوامبر ۲۰۲۲